

## بیعت طالبان با آل سعود

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی تفصیلی به بررسی مداخله آل سعود در افغانستان پرداخت.



به گزارش آران نیوز: قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا به عمد یا به سهو افغانستان را دو دستی به عربستان تقدیم کرده‌اند. عربستان خود، یک سوی جنگ در افغانستان است. این کشور که متحد سنتی پاکستان است، از موضع اسلام‌آباد برای تقویت طالبان دفاع می‌کند. سال‌ها است، شیوخ ثروتمند سعودی با حمایت آشکار و نهان و تامین مالی شورشیان به جنگ در افغانستان دامن زده و آن را تشدید کرده‌اند.

دنیای اقتصاد: فکر می‌کنید اوضاع افغانستان چگونه است؟ 15 سال حضور آمریکا در افغانستان، نیم تریلیون دلار (500 میلیارد دلار) هزینه و تلف شدن جان 150 هزار نفر و در نهایت تلاش آمریکا برای خروج از افغانستان. اکنون دیگر باید فضای این کشور جنگ‌زده برایتان قابل‌تصور باشد. افغان‌ها به حال خود رها شدند تا جنگ را پیش ببرند. به این فهرست باید جان گرفتن طالبان و سرازیر شدن پول به سوی این گروه را هم افزود. رهبران افغانستان با قدرتی تجدید بیعت کرده‌اند که باعث می‌شود سرنوشت این کشور مشخص شود: یا چنگ زدن به دموکراسی یا در غلتیدن به سوی طالبان. البته آن قدرت آمریکا نیست، بلکه عربستان سعودی است. گویی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا به عمد یا سهو افغانستان را دو دستی به عربستان تقدیم کرده‌اند. عربستان خود یک سوی جنگ در افغانستان است. این کشور که متحد سنتی پاکستان است، از موضع اسلام‌آباد برای تقویت طالبان دفاع می‌کند. سال‌هاست، شیوخ ثروتمند سعودی به جنگ در افغانستان دامن زده و آن را تشدید کرده‌اند. چگونه؟ با حمایت آشکار و نهان و تامین مالی شورشیان.

عربستان سعودی رسماً حامی آمریکا و دولت افغانستان بوده و به نمایندگی از آنها مذاکراتی مخفی برای رسیدن به صلح را دنبال می‌کرده است. سیاست‌های عربستان سراسر تناقض است. آنها از یک‌سو سعی دارند خواسته‌های متضاد در درون این پادشاهی را متوازن کنند اما این متوازن‌سازی به دو شکل دنبال شده است: از طریق سیاست‌های رسمی و همکاری برای صلح و از سوی دیگر با طرح‌های مخفیانه. این مسیر دوگانه به مقام‌های سعودی اجازه می‌دهد که به شکل منطقی حمایت رسمی از طالبان را انکار کنند اما در عین حال، چشم بر حمایت و تامین مالی طالبان و سایر گروه‌های تندرو ببندند. نتیجه این می‌شود که سعودی‌ها از طریق کانال‌های خصوصی یا پنهانی- به‌طور ضمنی از طالبان به‌گونه‌ای حمایت کنند که این پادشاهی به یکی از طرف‌های جدایی‌ناپذیر میانجیگر در افغانستان تبدیل شود.

وزیر دارایی سابق طالبان در مصاحبه با نیویورک تایمز توضیح می‌داد که چگونه سال‌ها به عربستان سفر کرده و پول نقد دریافت می‌کرد در حالی که ظاهراً در سفر حج به سر می‌برد. ولی‌نصر، یکی از مشاوران سابق وزارت خارجه آمریکا، می‌گفت به طالبان اجازه داده شده بود که از «کارگران میهمان پشتون» که در عربستان کار می‌کردند مبالغ کلانی پول بگیرند. او می‌گوید طالبان بر صدها هزار نفر از پشتون‌های شاغل در عربستان «مالیات» وضع می‌کرد و در صورت عدم پرداخت این مبالغ، خانواده‌هایشان در افغانستان را تهدید می‌کرد. روشن است که چنین کاری بدون هماهنگی یا چراغ سبز دولت عربستان انجام نمی‌گرفت. تحلیلگران می‌گویند عربستان در یک بازی ژئوپلیتیک با چند طرف بازی می‌کند و این می‌تواند برآورده‌کننده منافع استراتژیک سعودی‌ها باشد اما رویکرد سعودی‌ها درست در نقطه مقابل تلاش آمریکا است. آنها می‌توانند تلاش 15 ساله آمریکایی‌ها برای پیشرفت دموکراسی شکننده در افغانستان را تضعیف کرده و شاید تلاش‌های آمریکا برای آزادسازی این کشور را بی‌اثر کنند. ایالات متحده اکنون تلاش دارد تا این متحد خود را ترغیب کند که به جای ایفای نقشی مخرب، نقشی سازنده در این کشور جنگ‌زده ایفا کند. افغانی‌ها هم در یک دو راهی گرفتار شده‌اند؛ آنها عربستان را هم دوست و هم دشمن تلقی می‌کنند. با توجه به اینکه افغان‌ها اکنون به دنبال کمک هستند، سوال این است که آنها به دنبال کدام چهره از عربستان هستند؟ شاهزاده ترکی الفیصل، که ظرف 24 سال رئیس سازمان اطلاعاتی عربستان بود و سپس تا زمان بازنشستگی‌اش در سال 2007 به‌عنوان سفیر کشورش در آمریکا خدمت کرد، این مساله را رد می‌کند که عربستان مدافع طالبان است. او در اظهارنظری ایمیلی چنین پاسخ داد: «در زمانی که من در دولت بودم، حتی یک ریال به جیب طالبان نرفت.» او افزود که «اقدامات سفت و سختی که از سوی این پادشاهی برای جلوگیری از انتقال پول به سوی گروه‌های تروریستی اتخاذ شده» به تایید دانیل گلاسر، دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور تامین مالی تروریسم در خزانه‌داری، رسیده است.

با این حال کسانی هستند که نظری مخالف دارند. حنیف اتمر، مدیر شورای امنیت ملی افغانستان، در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز گفت: «ما می‌دانیم که این حمایت مالی سال‌ها وجود داشته است. این نوع حمایت‌ها ماشین جنگی تروریست‌ها در افغانستان و در منطقه را تقویت می‌کند. این روند باید متوقف شود.» گفتن این ممکن است از انجام دادنش راحت‌تر باشد. عربستان یکی از منابعی است که به گفته جان کری، برای حمایت از مبارزان اسلامگرا «پول جایگزین» نامیده می‌شود. به گفته ولی‌نصر، بیشتر این بذل و بخشش در راستای استراتژی عربستان برای ساختن دیوار حائل از رادیکالیسم سنی در آسیای جنوبی و مرکزی جهت مهار ایران صرف می‌شود. رقابت میان ایران و عربستان از سر گرفته شده است. با خروج آمریکا، این احساس وجود دارد که سرنوشت افغانستان درهاله‌ای از ابهام است. مقام‌های افغان می‌گویند در ماه‌های اخیر طالبان حملات گسترده و هماهنگی را در 8 استان انجام داده و این کار فقط با منابع مالی خارجی امکان‌پذیر است. آنها

می‌گویند رقم این کمک بالغ بر یک میلیارد دلار است.

در عین حال، عربستان سعودی برای رد گم کردن توافقات دفاعی و توسعه‌های چشمگیری به دولت افغانستان پیشنهاد کرده است در حالی که افغان‌ها می‌گویند شیوخ سعودی و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس به آرامی در حال انتقال میلیاردها دلار پول به سازمان‌های سنی، مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها برای شکل دادن به نسل بعدی افغان‌ها هستند. ولی نصر، که اکنون رئیس مدرسه مطالعه پیشرفته بین‌المللی در دانشگاه جان‌هایپکینز است، در یک مصاحبه تلفنی می‌گوید: «سعودی‌ها در حال مشارکت دوباره هستند. افغانستان برای آنها مهم است و به همین دلیل است که در دهه 80 سرمایه‌گذاری زیادی در آنجا کردند و تلاش می‌کنند تا خود را بیش از هر زمان در آنجا نمایان‌تر سازند.»

حمایت جایگزین

7 سال حکومت خشن طالبان در افغانستان به پایان نزدیک می‌شد. سال 2001 بود و دولت طالبان پس از حادثه 11 سپتامبر و به دلیل حمله آمریکا به این کشور در حال متلاشی شدن بود. «آقا جان معتصم»، وزیر دارایی طالبان، که خود را پزشک جا زده بود در مصاحبه اخیر خود می‌گفت با آمبولانس صلیب سرخ به منطقه‌ای دورافتاده رفت و از آنجا عازم پاکستان شد. در شهر مرزی کوئته، او و دیگر رهبران طالبان خود را از نو سازماندهی کرده و یاغیگری خود را شروع کردند که تا امروز ادامه دارد. معتصم به‌عنوان رئیس کمیته مالی طالبان انتخاب شده است. یکی از اولین توقفگاه‌های او عربستان بود. عربستان سرزمین پیچیده‌ای است. این کشور نه تنها منزلگاه مراکز مقدس اسلامی بلکه می‌توان این کشور را «منزلگاه نفت» نیز نامید. این کشور نه تنها اقامتگاه شیوخ ثروتمند است بلکه بنیادهای خیره هم در این کشور هستند و بسیاری از «کمک‌دهندگان» برای انجام مراسم حج به این کشور می‌روند. در فاصله 2002 و 2007، معتصم دو یا سه بار در سال به عربستان می‌رفت.

در ظاهر برای زیارت می‌رفت اما هدف اصلی‌اش جمع‌آوری پول برای طالبان بود. او می‌گفت: «افراد دیگری از کشورهای مختلف برای حج عمره آمده بودند. شیوخ سعودی هم بودند. از آنها می‌خواستم برای جنگ به ما کمک کنند.» او می‌افزاید: «فقط سعودی‌ها نبودند که به ما کمک می‌کردند بلکه مردمی که از کشورهای دیگر هم آمده بودند چنین می‌کردند. اما دولت عربستان تنها دولتی بود که هر وقت می‌خواستم می‌توانستم با آنها ملاقات کنم.» این پول‌ها به شکل‌های بی‌شماری وارد خزانه طالبان می‌شد. از جمله بانک‌های منطقه‌ای در مناطق قبایلی پاکستان و سیستم حواله که برای انتقال پول مورد استفاده قرار می‌گرفت. «رحمت‌الله نبیل» رئیس سابق سازمان اطلاعات افغانستان، می‌گفت سال گذشته، نیروهای امنیتی افغان خانواده‌های اعضای القاعده را مورد شناسایی قرار می‌دادند که با ذخایری از شمش‌های طلا وارد شرق افغانستان می‌شدند.

«بارنت روبین» که به‌عنوان مشاور ویژه برای نماینده آمریکا در افغانستان و پاکستان خدمت می‌کرد، می‌گوید مقام‌های سعودی اعلام کردند که نمی‌توانند میلیون‌ها نفری را که سالانه به حج می‌آیند کنترل کنند. یک مقام امنیتی در منطقه که به شرط فاش نشدن نام سخن می‌گفت و بسیار محتاطانه سخن می‌گفت تا مبادا به قبای سعودی‌ها بربخورد، می‌گفت طالبان همواره با پاسپورت‌های تقلبی و با نام‌های غیرواقعی سفر می‌کنند و برای مقام‌های سعودی ناشناخته‌اند. درخواست آمریکایی‌ها برای قطع این منابع مالی نتیجه اندکی به دنبال داشت. براساس اسناد افشا شده ویکی‌لیکس، در سال 2009، مقام‌های آمریکایی از این شکوه می‌کردند که طالبان و سایر گروه‌های افراطی میلیون‌ها دلار پول طی زیارت‌های سالانه به دست می‌آورند. سندی که در دسامبر 2009 فاش شد به نقل از هیلاری کلینتون می‌گوید که اهداکنندگان در عربستان سعودی «مهم‌ترین منبع تامین مالی گروه‌های تروریست سنی در جهان هستند.»

پول‌های ارسالی از سوی عربستان و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس نه تنها به دست طالبان بلکه به دست داعش نیز می‌رسد. در ایملی فاش شده در سال 2014 از سوی ویکی‌لیکس، هیلاری کلینتون اعلام کرد که «دولت‌های قطر و عربستان حمایت مالی و لجستیکی پنهانی برای داعش و سایر گروه‌های رادیکال سنی در منطقه فراهم می‌آورند.» او گفت تامین مالی این گروه‌ها بخشی از رقابت میان قطر و عربستان است که هر یک داعیه رهبری جهان اهل سنت را دارند.

تلاش‌های پنهانی صلح

سپتامبر 2008 بود، ماه رمضان و ملک عبدالله میزبان شام افطار در مکه بود. اما این یک افطار معمولی نبود. در اینجا یک طرح محرمانه صلح که حمایت شخصی ملک عبدالله را داشت در جریان بود. در میان میهمانان فراوان، مقام‌های افغان و پیرمردان به همراه تعدادی از اعضای سابق طالبان به چشم می‌خوردند. ظرف چندماه، سازمان اطلاعات عربستان دشمنان افغانی (طالبان و مقام‌های دولتی) را برای یک طرح صلح گرد یک میز نشاند. معتصم، همان مردی که برای طالبان پول جمع می‌کرد، به‌عنوان نماینده طالبان مطرح شد. در سمت دیگر هم «قیوم کرزای» برادر حامد کرزای نشسته بود. طی سه روز مذاکرات فشرده، میانجیگران سعودی دو طرف را به جلو هل می‌دادند. این طرح صلح در سال 2006 شروع شد. یکی از کارگزاران «عبدالله انس» نام داشت؛ یک الجزایری که به دلیل مبارزه 10 ساله با شوروی در افغانستان اعتباری به دست آورده بود. انس در مصاحبه‌ای اعلام کرد که تصمیمش برای حضور در طرح صلح عربستان روشن است؛ زیرا این کشور هم جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان به‌عنوان ام القرا دارد و هم اینکه طی جنگ با شوروی از ما حمایت کرده بود. انس که امروز شبکه «المغاربه»، کانال ماهواره‌ای تلویزیونی مستقر در لندن را اداره می‌کند، می‌گوید: «حتی در دورافتاده‌ترین نقاط افغانستان، عربستان حرفی برای گفتن دارد.»

حادثه 11 سپتامبر همه چیز را به هم زد. هم عربستان و هم آمریکا مجاهدین را برای شکست شوروی در دهه 80 تغذیه می‌کردند اما رفتار بعدی طالبان آمریکایی‌ها را خشمگین کرد. پناه دادن به بن لادن آخرین راه چاره بود. برای سعودی‌ها، مساله البته دشوارتر شده بود. طالبان تسلیم بن لادن را نپذیرفت. شاهزاده ترکی به‌صورت شخصی در سال 1998 درخواست تسلیم او

را مطرح کرد اما باز گوش شنوایی نیافت.

عربستان تا سال 2001 و پس از آن با همراهی پاکستان از دولت طالبان حمایت می‌کرد. هدف آنها باز هم مهار نفوذ ایران در منطقه بود. انس در مورد چالش‌های طرح صلح می‌گوید: «مشکل این است که عربستان سعودی، افغانستان را از دریچه نگاه پاکستان می‌نگرد.» انس می‌گوید برای رسیدن به صلح، سعودی‌ها را تشویق کرد که با افغان‌ها به‌طور مستقیم رابطه برقرار کند. برخی مقام‌ها به شرط فاش نشدن نام گفتند که ملک عبدالله احساس همراهی با این نگاه داشت. او می‌گفت ملک عبدالله چنین کرد هرچند با مقاومت سایر اعضای خاندان سلطنت مواجه شد زیرا آنها از اشغال آمریکا ناراحت بودند. با این حال، برخی دیگر نگران مداخله بیشتر در افغانستان بودند. انس برای اینکه کمک کند سعودی‌ها بر بی‌میلی خود فائق شوند فرستاده سعودی را به افغانستان برد تا نشان دهد با وجود اشغال این کشور اما طالبان یک جامعه مسلمانی را شکل داده که کار خود را انجام می‌دهد. حامد کرزای در اوت 2005 در نامه‌ای به ملک عبدالله خواستار مداخله او شد. این مداخله کارگر افتاد. ملک عبدالله در ورودی هواپیمای خود با کرزای دیدار کرد. کرزای هنوز دوستی خود با او را به نیکی به‌خاطر می‌آورد. کرزای در مصاحبه‌ای گفت: «او هرگز، هرگز و هرگز تلفن‌های مرا بی‌پاسخ نمی‌گذاشت.»

شاهزاده مقرن بن عبدالعزیز، رئیس سازمان اطلاعاتی عربستان، شخصا بر این مذاکرات نظارت داشت و فرستاده خود را نزد معتصم (طالبان) و دولت افغانستان فرستاد که این روند دو سال به طول انجامید اما وقتی این مذاکرات داشت به نتیجه می‌رسید، طالبان در درون خود به مشکل کشمکش بر سر قدرت برخورد. سعودی‌ها از طالبان می‌خواستند تروریسم را نفی کنند و روابط خود با القاعده را قطع کنند اما چنین نشد. معتصم به دزدی متهم و برکنار شد. سال 2010، حامی اصلی معتصم یعنی «ملا عبدالغنی برادر»، فرمانده اصلی عملیاتی طالبان در پاکستان دستگیر شد. از سوی دیگر، یک تروریست معتصم را در بیرون از خانه‌اش در کراچی ترور کرد اما او زنده ماند. تعدادی از افرادی که در این فرآیند دخیل بودند گفتند که این تحولات نشان از مخالفت پاکستان داشت زیرا این کشور معتقد بود در این فرآیند مذاکره، این کشور مشارکتی نداشته و عملاً از بازی کنار گذاشته شده است. معتصم می‌گوید: «در این زمان بود که در این فرآیند خرابکاری صورت گرفت.»

کرزای به نقل از ملک عبدالله می‌گوید: «من می‌خواهم به افغانستان کمک کنم. می‌خواهم کشورتان در صلح باشد. می‌خواهم با طالبان بنشینید و صحبت کنید اما باید بدانید که تمام کاری که می‌توانستم انجام دهم همین بود.» کرزای می‌افزاید: «این کلمات خیلی مهم بودند. این یعنی نیروهای دیگری هم هستند که در این فرآیند دخیل هستند و شاید می‌خواهند اجازه ندهند چنین امری رخ دهد.»

مشکل در افق نمایان است

با وجود تمام این تلاش‌های پنهان اما پادشاهی سعودی آشکارا و رسماً در افغانستان غایب بوده است. آنها نتوانسته‌اند طی 15 سال اخیر پروژه مهمی را در این کشور به نام خود بزنند. مقام‌های سعودی البته منکر این هستند که صندوق‌های خیریه و پول‌های پنهانی باعث تقویت طالبان و گروه‌های متحد شبه‌نظامی‌شان در منطقه شده است. از سوی دیگر، سعودی‌ها صدها دانشگاه و مدرسه ساخته و همچنین گروه‌های رادیکال سنی را علم کرده‌اند که نفوذ اهل سنت را توسعه داده است. به همین دلیل افغان‌ها می‌ترسند که آنها بذره‌های بحران‌های آینده را می‌کارند. یکی از این افغان‌های بدبین «نصار کریم زای»، رئیس سازمان تحقیقات صلح و ثبات است. در دوران اشغال شوروی، کریم زای به مدارس در پاکستان رفت و در دام افراط‌گرایان سنی افتاد. او می‌گوید: «آنها به ما می‌آموختند که شیعیان مسلمان نیستند.» اگرچه او از آنها برید اما پسر عمویش به دام این گروه‌ها افتاد.

سازمان اطلاعاتی افغانستان می‌گوید یکی از این گروه‌ها «جماعت اصلاح» است که با پول‌های عربستان، قطر و امارات می‌چرخد. این گروه 40-50 ساختمان از جمله یک دانشگاه و یک بیمارستان دارد و نشان می‌دهد که حامیان مالی خارجی دارد. در سال 2001 افغانستان هزار مدرسه داشت اما اکنون تعداد مدارسها بالغ بر 4 هزار است. حاجی عبدالغفار عابد که رئیس دفتر عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی افغانستان است هشدار می‌دهد که پس از دهه‌ها جنگ و آوارگی، افغان‌ها به شدت آسیب‌پذیر هستند. او در مورد جماعت اصلاح می‌گوید: «شخصاً می‌ترسم که این اتفاقات ممکن است موجب آسیب به مردم شود.» تنها گروهی که تا کنون توانسته جذابیتی داشته باشد «حزب التحریر» است که شبکه‌های مخفی در آسیای مرکزی دارد. کدام سعودی؟

اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان به محض انتخاب اولین سفر خارجی خود را عربستان انتخاب کرد. پنج ماه بعد، پس از دومین سفر به عربستان و دیدار با ملک سلمان، پادشاه جدید، غنی اعلام کرد که کشورش از جنگ عربستان در یمن حمایت می‌کند. در بازگشت، غنی از طرف سعودی خواست تا مانع سرازیر شدن پول از شیوخ سعودی به سوی طالبان شده و طالبان را ترغیب به بازگشت به مذاکرات کرد. با این حال، در میان مقام‌های افغان حسی از بدبینی وجود دارد. یک دیپلمات در کابل می‌گوید ردیابی جریان پول‌های غیرقانونی تقریباً غیرممکن است. دیپلمات دیگری که در عربستان هم خدمت کرده بود می‌گوید بعید است ریاض تغییر کند زیرا اعضای خانواده سعودی چنان متفرقند که هر یک با دیگری سر ستیز دارد. میزان حملات اخیر طالبان نیز باعث نگرانی افغان‌ها شده است.

نادر نادری، مشاور ارشد رئیس‌جمهور در امور استراتژیک می‌گوید: «اینها نشان از اعلان جنگی آشکار علیه افغانستان دارد.» او پاکستان را به تشدید درگیری متهم می‌کند. عبدالله عبدالله که سفری به عربستان داشت از مقام‌های سعودی خواست تا به پاکستان فشار بیاورند که این کشور پایگاه امن تروریست‌ها نباشد و به این روش خود خاتمه دهد. یک مقام دیگر افغان

می‌گوید: «عربستان می‌داند اگر ما با یکدیگر بجنگیم این به این معنا است که طالبان نمی‌تواند از آنجا پول بگیرد.» روح‌الله وکیلی، یکی از رهبران قبایلی و از اعضای شورای صلح افغانستان می‌گوید آنها علاقه‌ای به کار با ما ندارند: «آنها اکنون کور و کر شده‌اند. از آنها درخواست کمک می‌کنیم. اما تاریخی به ما می‌دهند و از سر خودشان باز می‌کنند. آنها هیچ چیزی به ما نمی‌دهند.»